

جاناتان کوک:

آنچه که بی.بی.سی. در مورد حوادث ۱۵ مهرماه (۷ اکتبر) به شما نمی‌گوید.

رسانه‌ها همچنان با سخاوتمندی بسیار روایت ارتش اسرائیل از آن روز را تکرار می‌کنند. این یک اشتباه روزنامه‌نگاری است.

۱۱ آبان‌ماه ۱۴۰۲ (۲ نوامبر ۲۰۲۳)

برگردان به فارسی از نادر ثانی



لوسی ویلیامسون خبرنگار بی‌بی‌سی این هفته بار دیگر برای مشاهده ویرانی وحشتناک یک شهرک اسرائیلی (کیبوتز) در خارج از غزه که در روز ۱۵ مهرماه مورد حمله قرار گرفت به آنجا رفت. می‌شد مشاهده کرد که در بخش‌هایی از دیوار بتنی سوراخ‌هایی عمیق وجود داشت و یا به طور کامل فرو ریخته بود. بخش‌هایی از ساختمان‌ها که هنوز پابرجا بودند به شدت سوخته بودند. آنچه می‌شد مشاهده کرد تصویر کوچکی از اوضاع وحشتناک کنونی غزه بود.

دلیلی احتمالی برای این شباهت‌ها وجود دارد - دلیلی که بی‌بی‌سی به‌رغم وجود شواهد فراوان از منابع مختلف، از جمله رسانه‌های اسرائیلی، به شکلی

شکبرانگیز در گزارش آن کوتاهی می‌کند. در عوض، بی‌بی‌سی قاطعانه به روایتی که ارتش اسرائیل برای آنها و بقیه رسانه‌های غربی ساخته است پایبند است: اینکه حماس به تنهایی باعث این همه ویرانی شده است.

صرفاً تکرار آن روایت بدون هیچ تذکری تاکنون به سطح نازلی در حرفه روزنامه‌نگاری رسیده است. و با این حال این دقیقاً همان کاری است که بی.بی.سی. شبانه روز آنرا به انجام می‌رساند.

تنها نگاهی گذرا به خرابه‌های مجتمع‌های گوناگون کیبوتزهایی که در آن روز مورد حمله قرار گرفتند، باید در ذهن هر خبرنگار وظیفه‌شناس پرسشهایی ایجاد کند. آیا شورشیان فلسطینی در آنروز در موقعیتی بودند که واقعاً با بهره‌گیری از سلاح‌های سبکی که حمل می‌کردند، صدمات فیزیکی به این میزان و شدت به این ساختمانها وارد کنند؟ و اگر پاسخ منفی‌ست، چه کسی جز اسرائیل در موقعیتی بوده که بتواند چنین ویرانی به بار آورد؟

پرسش جداگانه‌ای که روزنامه‌نگاران متعهد باید مطرح کنند این است: هدف از چنین آسیبی چه بوده است؟ مبارزان فلسطینی با انجام چنین کاری امیدوار بودند به چه چیزی دست یابند؟

پاسخ تلویحی که رسانه‌ها به پرسشهای بالا ارائه می‌کنند درست همان پاسخی است که ارتش اسرائیل می‌خواهد افکار عمومی غربی بشنوند: اینکه حماس با سببیت فراوان کشتار بی‌پروا و وحشی‌گری خود را عملی نمود. زیرا... خُب، بیایید بخشی را که به وضوح به بیان نمی‌آید با صدای بلند بگوییم: زیرا فلسطینی‌ها ذاتاً وحشی هستند.

با این روایت ضمنی، به سیاستمداران غربی مجوز داده شده است تا اسرائیل را تشویق کنند، هر چند که این کشور هر چند دقیقه یک کودک فلسطینی را در غزه می‌کشد. آخر مگر اینگونه نیست که وحشی‌ها فقط زبان وحشی‌گری را می‌فهمند.

تانگوی وحشیانه

به همین دلیل، هر روزنامه‌نگاری که بخواهد از جانبداری نادرست در مورد نسل‌کشی غزه اجتناب کند، باید به طور فزاینده‌ای نسبت به تکرار ادعاهای ارتش اسرائیل در مورد آنچه در ۱۵ مهرماه رخ داد، محتاط باشد. مطمئناً، آنها نباید با زودباوری، همانطور که بی.بی.سی. به وضوح انجام می‌دهد، گزارش آخرین تهاجمات ارتش اسرائیل را از دفتر مطبوعاتی این کشور بگیرند.

آنچه ما از شواهد رو به افزونی که از رسانه‌های اسرائیلی و شاهدان عینی اسرائیلی جمع‌آوری شده می‌دانیم - به عنوان مثال، در گزارشی که از "ماکس بلومنتال" به دقت بیان شده است - این است که ارتش اسرائیل به طور کامل از وقایع آن روز سر در گم شده بود. توپخانه سنگین این ارتش، از جمله تانک و هلیکوپترهای تهاجمی، برای مقابله با حماس فراخوانده شده بودند. به نظر می‌رسد که گویا این تصمیمی ساده در رابطه با مقابله با حملات پایگاه‌های نظامی حماس بوده است.

اسرائیل سیاست دیرینه‌ای برای جلوگیری از اسیر شدن سربازان اسرائیلی دارد - عمدتاً به دلیل هزینه بالایی که جامعه اسرائیل برای اطمینان از بازگشت سربازان بر پرداخت آن اصرار دارد. در خلال دهه‌ها، آنچه که از آن در ارتش اسرائیل با نام «رویه هانیبال» یاد می‌شود استفاده می‌شد: نیروهای اسرائیلی دستور داشتند که به جای قبول به اسارت در آمدن سربازان دیگر آنان را به قتل برسانند. به همین دلیل، در خلال این سالها حماس انرژی زیادی را صرف تلاش برای یافتن راه‌های نوآورانه برای به اسارت گرفتن سربازان می‌کرد.

دو طرف درگیری اساساً مشغول اجرای یک تانگوی وحشیانه هستند که در آن هر یک حرکات رقص دیگری را درک کرده و حرکات خود را با توجه به آنها تنظیم می‌کند.

با توجه به وضعیت موجود و مدیریت مؤثر اردوگاه کار اجباری غزه تحت کنترل اسرائیل، حماس راهبردهای مقاومتی محدودی در اختیار دارد. موفقیت در امر اسیر کردن سربازان اسرائیلی از اهمیت بسیار برخوردار است. آنها را می‌توان با بسیاری از هزاران زندانی سیاسی فلسطینی که در زندان‌های داخل اسرائیل نگهداری می‌شوند، مبادله کرد. علاوه بر این، در مذاکرات، حماس

معمولاً امیدوار است که بتواند محاصره شانزده ساله غزه توسط اسرائیل را کاهش دهد.

برای جلوگیری از چنین سناریویی، فرماندهان اسرائیلی بنا به گزارش‌های موجود در روز ۱۵ مهرماه هلیکوپترهای تهاجمی را به مراکز نظامی تحت اشغال حماس فرستادند. به نظر می‌رسد که سربازان بالگردهای اسرائیلی، علیرغم خطری که سربازان اسرائیلی را که هنوز در پایگاه‌ها زنده بودند تهدید می‌کرد، به شکل بی‌رویه‌ای شلیک کرده‌اند. سیاست اسرائیل یک سیاست به اجرا درآوردن تاکتیک "زمین سوخته" برای جلوگیری از دستیابی حماس به اهدافش بود. این ممکن است تا حدی توضیح‌گر آن باشد که چرا تعداد بسیار زیادی از سربازان اسرائیلی در میان ۱۳۰۰ کشته‌شده آن روز وجود داشتند.

بدن‌های زغالی

اما وضعیت در مجموعه‌های کیبوتزی چگونه بوده است؟ زمانی که ارتش وارد شد و در موقعیت حمله قرار گرفت، حماس به خوبی سنگرگیری کرده بود. حماسی‌ها ساکنان مجموعه‌های کیبوتزی را به عنوان گروگان در خانه‌های خود به اسارت گرفته بودند. شهادت شاهدان عینی اسرائیل و گزارش‌های رسانه‌ها حاکی از آن است که حماس تقریباً به طور قطع تلاش می‌کرد تا با استفاده از غیرنظامیان اسرائیلی به عنوان سپر انسانی، برای بازگشت امن به غزه وارد مذاکره با اسرائیلی‌ها شود. غیرنظامیان تنها بلیت خروج جنگجویان حماس بودند و حماسی‌ها پس از آن می‌توانستند آنها را برای آزادی اسرای فلسطینی به برگه‌های معامله تبدیل کنند.

نگاهی به این گزارش و آنچه در آن به بیان آمده است بکنید:

<https://www.youtube.com/watch?v=RmhrRknUwtU>

شواهد - از گزارش‌های رسانه‌های اسرائیلی و شاهدان عینی، و همچنین مجموعه‌ای از سرنخ‌هایی که از خود صحنه جنایت به چشم می‌آید - داستانی بسیار پیچیده‌تر از آنچه که هر شب در بی‌بی‌سی ارائه می‌شود، بیان می‌کند.

آیا ارتش اسرائیل خانه‌های غیرنظامی تحت کنترل حماس را، به همان شکلی که به پایگاه‌های نظامی خود شلیک کرده بود و با همان بی‌توجهی به امنیت

اسرائیلی‌ها در داخل آنها، مورد اصابت گلوله‌های خود قرار داد؟ آیا هدف در هر مورد این بود که به هر قیمتی از گروگان گرفتن اسرائیلی‌ها توسط حماس جلوگیری شود، چرا که بعداً برای آزاد ساختن آنها اسرائیل مستلزم پرداخت هزینه بسیار بالایی می‌بود؟

کیبوتز بیری مقصد مورد علاقه خبرنگاران بی‌بی‌سی بوده است، خبرنگارانی که می‌خواهند بربریت حماس را نشان دهند. این جایی است که لوسی ویلیامسون بار دیگر در این هفته به آنجا رفت. و با این حال هیچ یک از گزارش‌های او اظهاراتی را که "تووال اسکاپا"، هماهنگ‌کننده امنیتی این کیبوتز به روزنامه اسرائیلی "هاآرتص" داده بود، برجسته نکرد. "تووال اسکاپا" در اظهارات خود گفت که فرماندهان نظامی اسرائیل دستور «گلوله‌باران خانه‌ها را به سربازان خود داده‌اند تا تروریست‌ها و گروگان‌ها را از بین ببرند.»

فیلم زیر بازتاب شهادت "یاسمین پورات" است، فردی که از جشنواره موسیقی نوا که در همان نزدیکی برگزار می‌شد به کیبوتز بیری پناه برد. او به رادیو اسرائیل گفت که هنگامی که نیروهای ویژه اسرائیل وارد شدند: "آنها همه، از جمله گروگان‌ها را از بین بردند زیرا تیراندازی متقابل بسیار بسیار سنگینی وجود داشت".

<https://youtu.be/rTQcjyhPOIk>

آیا تصاویر اجساد ذغال شده ارائه‌شده توسط ویلیامسون، همراه با هشدار در باره ماهیت ترسناک و ناراحت‌کننده آنها، دلیلی غیرقابل انکار است که حماس مانند هیولاها رفتار می‌کند و وحشیانه‌ترین نوع انتقام را به اجرا درآورده است؟ یا ممکن است این اجساد سیاه‌شده دلیلی بر این باشد که غیرنظامیان اسرائیلی و جنگجویان حماس پس از غرق شدن در شعله‌های آتشی که ناشی از گلوله‌باران خانه‌ها توسط سربازان اسرائیلی بود، در کنار یکدیگر سوختند؟

بدیهی است که اسرائیل هیچگاه با تحقیقات مستقل موافقت نخواهد کرد، بنابراین پاسخ قطعی به پرسش بالا هرگز ارائه نخواهد شد. اما این امر رسانه‌ها را از وظیفه حرفه‌ای و اخلاقی‌شان مبرا نمی‌کند که باید همه جانبه به آنچه رویداد داشت نگاه کنند.

«حماس وحشی»

برای لحظه‌ای تفاوت فاحش برخورد رسانه‌های غربی با رویدادهای ۱۵ مهرماه و برخورد آنها با حمله به پارکینگ خودرو در بیمارستان باپتیسست الاهلی در شمال غزه در ۲۵ مهرماه را در نظر بگیرید؛ حمله‌ای که در اثر آن صدها فلسطینی کشته شدند.

در مورد الاهلی، رسانه‌ها آماده بودند که تمام شواهدی را که نشان می‌داند بیمارستان مورد حمله اسرائیل قرار گرفته بود را به کناری بگذارند. اسرائیل هم بلافاصله این ادعا را که حمله به وسیله نیروهای این کشور صورت گرفته رد کرد. در عوض روزنامه‌نگاران با عجله ادعای متقابل اسرائیل مبنی بر اصابت یک موشک فلسطینی به بیمارستان را تقویت کردند. بیشتر رسانه‌ها پس از این نتیجه‌گیری کردند که «حقیقت ممکن است هرگز روشن نشود» یا حتی در حدی که قابل اعتمادی کمتر است، به این نتیجه رسیدند که محتمل‌ترین مقصر شورشیان فلسطینی هستند.

در مقابل، رسانه‌های غربی حاضر به طرح حتی یک پرسش در مورد آنچه در ۱۵ مهرماه رخ داد، نبوده‌اند. آنها با شور و شوق تمام حوادث وحشتناک آن روز را به حماس نسبت می‌دهند. آنها واقعیت هرج و مرج مطلق را که ساعت‌ها بر منطقه حاکم بود و احتمال تصمیم‌گیری ضعیف، ناامیدانه و از نظر اخلاقی مشکوک توسط ارتش اسرائیل را نادیده گرفته‌اند.

در واقع رسانه‌ها از این هم بسیار فراتر رفته‌اند. در پیشبرد روایت «حماس به مثابه وحشی‌ها رفتار کردند»، داستان‌های نادرستی مانند داستان «حماس ۴۰ نوزاد را سر برید» را ترویج کرده‌اند. این خبر جعلی حتی برای مدت کوتاهی توسط جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده مطرح شد، پیش از اینکه مقامات وی بی‌سر و صدا ماجرا را ماستمالی کنند.

به طور مشابه، هنوز هم در میان تفسیرهای غربی این یک جمله پُرطرفدار وجود دارد که «حماس تجاوز به عنف را انجام داده است»، هرچند این ادعا تاکنون بدون ارائه مدرکی ارائه شده است.

ما باید شفاف باشیم. اگر اسرائیل شواهد جدی برای هر یک از این ادعاها داشت، بدون شک به شدت آن را تبلیغ می‌کرد. در عوض، بهترین کار بعدی را انجام می‌دهد: اجازه دادن به کنایه‌ها تا آنکه آنها به آرامی در ضمیر ناخودآگاه مخاطب فرو بروند، و در آنجا به عنوان یک باور قطعی مستقر شوند، باوری که قابل رسیدگی نیست.

حماس بدون شک در ۱۵ مهرماه، به ویژه با گرفتن غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی، مرتکب جنایات جنگی شد. اما این نوع جنایت، جنایتی است که ما با آن آشنایی داریم، جنایتی به اندازه کافی «معمولی» که ارتش اسرائیل نیز به طور مرتب انجام آن را مستند کرده است. البته به یاد داشته باشیم که زمانی که سربازان اسرائیلی عملی مشابه را انجام می‌دهند، زمانی که آنها که فلسطینی‌ها را به عنوان سپر انسانی می‌گیرند از آنها تحت نام‌های دیگری مانند «رویه همسایه» و «رویه هشدار زودهنگام» یاد می‌شود.

ممکن است، به ویژه با توجه به مقیاس غیرمنتظره موفقیت حماس در خروج از غزه، جنایات بدتری نیز رخ داده باشد. تعداد زیادی از فلسطینی‌ها از محاصره فرار کردند که بدون شک برخی از آنها غیرنظامیان مسلح بودند که هیچ ارتباطی با عملیات روز ۱۵ مهرماه نداشتند. در چنین شرایطی، اگر هیچ نمونه‌ای از جنایات دهشتناک وجود نداشته باشد، جای تعجب خواهد بود.



مسئله این است که آیا آنگونه که اسرائیل ادعا می کند و رسانه های غربی تکرار می کنند، چنین جنایاتی برنامهریزی شده و سیستماتیک بوده و یا نمونه هایی از اقدامات سرکش توسط افراد یا گروه هایی منفرد بوده است؟ در صورت دومی، اسرائیل در موقعیتی برای قضاوت نخواهد بود. تاریخ خود اسرائیل مملو از نمونه هایی از این جنایات است، از جمله موارد مستند یک یگان ارتش اسرائیل که یک دختر بادیه نشین را در سال ۱۹۴۹ به اسارت گرفت و مکرراً به او تجاوز گروهی کرد.

وحشی گری قطعاً یک ویژگی منحصر به فرد حماس خواهد بود. پس از حمله ۱۵ مهرماه، ویدئوهایی از سوءاستفاده سیستماتیک از مبارزان حماس، چه زنده و چه مرده، منتشر شده است. تصاویر نشان می دهند که آنها در ملاء عام برای جلب رضایت تماشاگران مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می گیرند، در حالی که به وضوح حتی تظاهری به جمع آوری اطلاعات وجود ندارد. برخی دیگر از فیلمها اجساد مبارزان حماس را در حال آلوده شدن و مثله شدن نشان می دهند.

هیچ کس نمی تواند در اینجا ادعای برتری اخلاقی داشته باشد.

آنچه که تبلیغات غیرانتقادی رسانه ها از روایت اسرائیل، این روایت که از «حماس به عنوان وحشی ها» نام برده می شود به دست آمده است، چیزی شوم است – و البته در تاریخ طولانی استعمار غرب بسیار آشناست. از چنین تبلیغاتی

برای شیطان جلوه دادن یک قوم استفاده شده و آنها را یا به عنوان وحشی و یا به عنوان محافظان و توانمندان بربریت معرفی می‌کند.

روایت "وحشی‌ها" توسط اسرائیل برای توجیه کمپین فزاینده جنایات خود در غزه به سلاح تبدیل شده است. درست به همین دلیل بسیار مهم است که روزنامه‌نگاران به سادگی به خود اجازه ندهند که گزارشات خود را بدون دردرس و با استفاده کامل از تبلیغات یک سوی درگیری تهیه کنند، چرا که مسائل بسیار زیادی در خطر است.

حماس در ۱۵ مهرماه مرتکب جنایات جنگی در مقیاسی شد که برای گروه‌های فلسطینی بی‌سابقه بود. اما تاکنون چیزی بیش از روایت اسرائیل وجود ندارد که نشان دهد انحطاط بی‌نظیری در اقدامات حماس وجود داشته است. مطمئناً بر اساس آنچه ما می‌دانیم، دشوار است که ببینیم هر کاری که حماس در آن روز انجام داد، بدتر یا وحشیانه‌تر از کاری بود که اسرائیل در خلال هفته‌های گذشته، هر روز در غزه انجام داده است.

و اقدامات اسرائیل – از بمباران خانواده‌های فلسطینی تا آنها را از گرسنگی و تشنگی هلاک کردن – از حمایت هر سیاستمدار بزرگ غربی برخوردار بوده است.